



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۶۶

اسفند ۱۳۹۵



استراتژی نوین آمریکا در قبال افغانستان؛ تنش میان پاکستان و افغانستان

زهرا توحیدی
مرکز تحقیقات استراتژیک

مقدمه

را نیز دارد که قاطعیت وی، منجر به برکناری و محاکمه تعدادی از افسران ارتش آمریکا و ارتش افغانستان شده بود. لذا حضور مک‌مستر، تأثیر عمیقی بر نوع سیاستگذاری آمریکا در قبال افغانستان خواهد داشت.

اما مسأله مهم، این است که وضعیت و شرایط در افغانستان، تنها عامل شکل‌دهنده به سیاست آمریکا در قبال این کشور نیست؛ بلکه اینگونه به نظر می‌رسد که پاکستان نیز تلاش گسترده‌ای را در جهت شکل دادن به رویکرد آمریکا در قبال افغانستان آغاز کرده است. گزارش حاضر، سعی در پرداختن به این مسأله را دارد.

شرایط امنیتی بحرانی در افغانستان

سازمان ملل متحد در آخرین گزارش خود، سال ۲۰۱۶ را مرگبارترین سال از ۲۰۰۹ تاکنون دانسته است که در پی آن، تعداد زیادی از مردم کشته و آواره شده‌اند و صدها هزار نفر نیز کشور را ترک کرده‌اند. در واقع به طور خلاصه، به تعبیر ژنرال جان نیکلسون، فرمانده ارشد آمریکا در افغانستان، این جنگ ۱۵ ساله در بهترین حالت، به «بن‌بست»

هر چند که ترامپ و معاون وی، مایک پنیس، در مذاکرات خود با آقای اشرف غنی، عمل به تعهدات خود در قبال امنیت افغانستان را وعده داده‌اند، اما آمریکا تاکنون استراتژی خود در قبال افغانستان را اعلام نکرده است. اخیراً (۱۹ اسفند)، سخنگوی کاخ سفید اعلام کرده که دولت آمریکا در حال بررسی سیاست خود در قبال افغانستان است.

برخی مدعی هستند که اعلام استراتژی خروج اوباما در سال ۲۰۱۴، به تلاش‌ها در جهت مبارزه با تروریسم ضربه وارد کرد و گروه‌های تروریستی را در موقعیت برتری قرار داد. لذا با پیروزی ترامپ جمهوری خواه، این انتظار ایجاد شده که رویکرد مبارزه با تروریسم در سیاست خارجی آمریکا، با جدیت و قاطعیت بیشتری پیگیری شود؛ انتخاب ژنرال مک‌مستر به عنوان مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور نیز مقوم این فرضیه تلقی می‌شود. زیرا وی به عنوان یک طراح برجسته دکترین نظامی آمریکا، سابقه حضور و فعالیت در افغانستان بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ به عنوان فرمانده مرکز مبارزه با فساد

استراتژی نوین آمریکا در قبال افغانستان؛ تنش میان پاکستان و افغانستان ۲

در حال حاضر بر اساس گزارش سیگار*، دولت افغانستان تنها بر ۵۷ درصد از خاک این کشور کنترل دارد. در واقع، روند نگران‌کننده‌ای طی یک سال اخیر در جریان بوده؛ به نحوی که این کنترل از ۷۲ درصد، به ۵۷ درصد کاهش یافته است.

علاوه بر این، فعالیت داعش نیز در افغانستان گسترش یافته است. این گروه در آخرین اقدام تروریستی خود، به بیمارستان نظامی در کابل حمله کرد که منجر به کشته شدن ۴۹ نفر و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم عادی شد.

در راستای تحلیل همین شرایط است که ژنرال نیکلسون، فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان، در جلسه کمیته نیروهای مسلح در سنای آمریکا که در ماه گذشته برگزار شد، در مورد خطر سقوط ولایت‌های هلمند و قندوز و نیز در مورد «ناکافی بودن» تعداد سربازان آمریکایی در جهت مقابله با پیشروی‌های طالبان هشدار داد و متذکر شد که حتی برای «حفظ شرایط کنونی» نیز به «چند هزار» نیروی جدید در افغانستان نیاز است.

از آنجایی که ترامپ، اولویت اصلی استراتژیک خود را مقابله با «تروریسم اسلام رادیکال» مطرح کرده، قدر مسلم مسأله افغانستان و به تبع آن، پاکستان نیز از اهمیت ویژه‌ای در این استراتژی برخوردار خواهد بود که اتفاقاً هر دو کشور برای آن مبارزه و رقابت می‌کنند.

استراتژی جدید آمریکا و رقابت افغانستان و پاکستان

عدم تعیین استراتژی مشخص در قبال افغانستان و مسأله کلی‌تر تروریسم، جوّی از عدم اطمینان و

رسیده است که به منظور برون‌رفت از این شرایط، حداقل به «چند هزار سرباز بیشتر»، نیاز است.

این در حالی است که ماموریت آیساف در افغانستان به طور رسمی از اواخر سال ۲۰۱۴ خاتمه یافته است و مسئولیت جنگ علیه طالبان و تامین امنیت بر عهده نیروهای امنیتی افغانستان گذاشته شده و نیروهای ناتو در افغانستان، بر مشاوره، تجهیز و آموزش این نیروها متمرکز هستند.

در همین راستا، اقدامات پشتیبانی و نظامی

این نیروها در افغانستان به طور محسوسی با کاهش مواجه شده است؛ به نحوی که تعداد حملات هوایی که در جهت هدف قرار دادن دقیق اهداف راهبردی، کاربرد مهمی دارد، به شدت کاهش یافته است؛ به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۱، ۳۵ هزار حمله هوایی علیه مواضع تروریست‌ها صورت گرفت اما بر اساس آمار ارائه شده، طی ۱۰ ماه نخست سال ۲۰۱۶، آنها به ۴۵۰۰ پرواز تقلیل یافته است. این در حالی است که طالبان طی ۲ سال گذشته به طور قابل ملاحظه‌ای حملات و قلمرو تحت سلطه خود را گسترش داده است. افزایش علاوه بر این، با وجود اینکه حدود ۶ هزار نفر از ۸۴۰۰ نیروی نظامی آمریکا در جهت اهداف آموزشی و مشاوره‌ای بکار گرفته می‌شوند، اما نیروهای نظامی افغانستان که در خط مقدم مبارزه علیه طالبان قرار دارند، بهره کمی از این آموزش‌ها می‌برند و در واقع عاملان اصلی مبارزه علیه تروریست‌ها، از عدم برخورداری از آموزش‌های نظامی و مهارت‌های کافی رنج می‌برند.

* اداره بازرسی آمریکا در امور بازسازی افغانستان

تروریسم کنگره، معتقدند که آمریکا باید به پاکستان در مورد اقداماتش در قبال حمایتش از تروریسم، هشدار جدی بدهد و دسته دیگر، قائل به اتخاذ مواضع نرم‌تری در قبال این کشور و در قالب یک فضای جهانی، به ویژه با در نظر داشتن مسأله رقابت‌های جهانی با چین، هند و نظم منطقه‌ای هستند.

با این وجود طی یک سال اخیر، انتقادات به پاکستان به جهت حمایت از تروریسم، در عرصه بین‌المللی و به ویژه در میان نخبگان آمریکایی افزایش یافته است. در همین راستا، در تیرماه سال جاری، کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا، جلسه‌ی ویژه‌ای به منظور بررسی سیاست‌های این کشور در قبال پاکستان برگزار کرد. طی این نشست، علیه پاکستان سخنان تندی مطرح شد و زلمی خلیلزاد، سفیر پیشین آمریکا در کابل، پیشنهاد اضافه شدن نام دولت پاکستان در فهرست سیاه کشورهای حامی تروریسم را مطرح نمود. علاوه بر این، در مهرماه نیز دو عضو کنگره نیز مطالبه مشابهی را مطرح کردند. در آخرین اقدام از این دست، هفته گذشته، دو نماینده دیگر کنگره آمریکا، طرحی را تدوین کردند تا بر اساس آن پاکستان را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار دهند.

در پی افزایش فشارها علیه پاکستان، ژنرال جان نیکلسون نیز در جلسه کمیته نظامی سنا، موضوع ضرورت «بررسی جامع» روابط آمریکا با پاکستان را مطرح نمود. وی خواهان قانع‌سازی پاکستان به منظور حمله به مراکز تروریستی که در وزیرستان شمالی این کشور وجود دارد و علیه افغانستان دست به اقدامات تروریستی انجام می‌دهند، شد. همچنین وی این مراکز را «خطر جدی برای ایالات متحده» دانست.

نگرانی را در قبال آینده افغانستان و حتی منطقه جنوب آسیا به وجود آورده است؛ مسأله‌ای که سیاست‌گذاران هر دو کشور پاکستان و افغانستان را بر آن داشته تا سعی کنند بیشترین بهره را از این فرصت، به منظور تأثیرگذاری بر سیاستگذاری‌های آتی ایالات متحده ببرند. این در حالی است که اینگونه به نظر می‌رسد که افغان‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که ناتو و به ویژه آمریکا تنها در صورت بروز تهدید شکستی با «پیامدهای استراتژیک» به کمک آنها خواهد شتافت.

ساختار سیاسی آمریکا، به عنوان بزرگ‌ترین اعطاکننده کمک به افغانستان، در حالی دستخوش تغییر و تحولات گسترده و عمیقی شده است که دو دیدگاه کلان در مورد سیاست‌های آمریکا در قبال افغانستان وجود دارد: ۱- برخی از نخبگان اجرایی و فکری، معتقدند که تاکنون استراتژی آمریکا در این باره، صحیح بوده و تنها بازنگری در مورد تاکتیک‌ها نیاز است تا بتوان برای همیشه به معضل تروریسم در افغانستان پایان بخشید. ۲- دسته دوم اما معتقدند که آمریکا نیازمند تغییر استراتژی خود در قبال افغانستان است؛ بدین معنا که باید در هر دو حوزه سخت و نرم سیاست، اقدامات خود را پیگیری نماید؛ یعنی همزمان با ممانعت از اشغال مناطق بیشتر توسط طالبان و مقابله جدی نظامی، بستر حصول به توافقات سیاسی در قالب مذاکرات نیز پیگیری شود.

این در حالی است که در مورد نحوه برخورد با پاکستان نیز عدم وجود اجماع نظر میان نخبگان به چشم می‌خورد و دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ عده‌ای مانند «تد پو»، رئیس کمیته فرعی

جمع‌بندی

با وجود اهمیت افغانستان به عنوان یک مورد هویتی برای آمریکا به عنوان خط مقدم مبارزه علیه تروریسم، تاکنون استراتژی آمریکا در قبال افغانستان و پاکستان شکل نگرفته است و یا حداقل به صورت علنی و روشن مطرح نشده است. این امر، در افغانستان و پاکستان سردرگمی و ناامنی ایجاد کرده است. لذا هر دو کشور، در جلب توجه ترامپ و سیاستگذاران آمریکایی به مهمتر جلوه دادن نقش خود در جنگ علیه تروریسم و آینده منطقه و نیز تأمین منافع استراتژیک آمریکا، با یکدیگر در حال رقابت هستند.

در همین راستا، اخیراً سفرها و رایزنی‌های نمایندگان مختلف افغانستانی و پاکستانی به منظور تأثیرگذاری بر استراتژی دولت جدید آمریکا و چینش صحنه جدید بازی در این منطقه به شدت افزایش یافته است و مطمئناً هر یک از آنها که موفق به این امر شود، از محوریت در سیاست‌گذاری‌های آتی ایالات متحده برخوردار خواهد شد و کمک‌های بیشتری از این کشور دریافت خواهد کرد.

بر همین اساس، می‌توان اینگونه پیش‌بینی نمود که به احتمال زیاد، خشونت‌ها و تنش‌ها در افغانستان و نیز میان افغانستان و پاکستان افزایش خواهد یافت. این امر، هم می‌تواند آمریکا را به منظور مشارکت و حضور جدی‌تر در افغانستان ترغیب نماید تا جنگ افغانستان به عنوان طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین جنگ این کشور در مبارزه با تروریسم به شکست مفتضحانه نیانجامد و هم می‌تواند موجبات

اما وقوع بمب‌گذاری‌های انتحاری اخیر در داخل پاکستان^۱، فرصت مناسبی را در اختیار سیاستمداران پاکستانی قرار داد تا در آستانه برگزاری مهمترین نشست بین‌المللی در مورد امنیت جهانی در مونیخ و نیز طراحی استراتژی دولت ترامپ در قبال افغانستان، خطرات امنیتی علیه این کشور را بزرگ‌نمایی کرده و خود را قربانی تروریسم معرفی نماید و از این طریق بتواند بخشی از فشارهایی را که از سوی جامعه بین‌المللی علیه پاکستان مطرح است را کاهش دهد.

همزمان با پیگیری این سناریو، پاکستان ضد حمله جدی‌ای را علیه تلاش‌های افغانستان در جهت اعمال فشار بر پاکستان آغاز کرده است. این امر، تنش‌ها میان اسلام‌آباد و کابل را افزایش داده است؛ پاکستان حملات راکتی به مناطق سرحدی افغانستان را تشدید کرده است. همچنین مدعی شده که ۷۶ تروریست در خاک افغانستان پنهان شده‌اند؛ علاوه بر این، از حدود سه هفته پیش، در پی متهم کردن دولت افغانستان به مسامحه در کنترل مرزهایش و استفاده تروریست‌ها از خاک افغانستان به منظور حمله به پاکستان، دو گذرگاه مهم مرزی خود با افغانستان که جزو شاه‌رگ‌های اصلی تجارتي و اقتصادی میان دو کشور هستند را بست که حدود ۸۰ میلیون دلار خسارت مالی به دو کشور وارد ساخته است. متقابلاً دولت افغانستان نیز دولت پاکستان را به پناه دادن به طالبان افغانستانی و شبکه حقانی از جمله حضور ۸۵ رهبر تروریست و وجود ۳۲ پایگاه آموزش تروریست‌ها متهم کرده است.

۱. زیارتگاه صوفیان لعل شهباز قلندر در ایالت سند پاکستان مورد حمله تروریستی قرار گرفت و حدود هشتاد نفر کشته و ۲۵۰ نفر زخمی شدند.

شادمانی و مهمتر از آن، بقای دولت وحدت ملی که بنیانش بر اساس حمایت‌های آمریکا بنا نهاده شده، را فراهم نماید.

به باور نویسنده، احتمالاً استراتژی دولت ترامپ در قبال افغانستان، با محوریت افزایش تعداد نیروهای خارجی، به ویژه با تأکید بر نقش ناتو و مشارکت بیشتر آنها در مأموریت مبارزه علیه تروریسم شکل خواهد گرفت.

